

3 زیرا ما را از قدرت تاریکی رهانیده و به پادشاهی پسر عزیزش منتقل ساخته است، 14 که در او از رهایی، یعنی از آمرزش گناهان برخورداریم 15. او صورت خدای نادیده است و فرزند ارشد بر تمامی آفرینش، 16 زیرا همه چیز به واسطه او آفریده شد: آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، دیدنیها و نادیدنیها، تختها و فرمانرواییها، ریاستها و قدرتها، همه به واسطه او و برای او آفریده شدند 17. او پیش از همه چیز وجود داشته، و همه چیز در او قوام دارد 18. او بدن، یعنی کلیسا، را سر است. او سرآغاز و نخستزاده از میان مردگان است، تا در همه چیز برتری از آن او باشد 19. زیرا



خشنودی خدا در این بود که با همه کمال خود در او ساکن شود، و به واسطه او همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، با خود آشتی دهد، به وسیله صلحی که با ریخته شدن خون وی بر صلیب پدید آورد.

دو تا مرد میانسال همیشه با هم اختلاف داشتند. آخرین بار یکی وارد خانه دیگری شد و در راهرو خانه آن دو مرد یکدیگر را توهین کردند. وحشتناک ترین دعوا به این رویداد منتهی شد که یکی روی زمین افتاد و در بیمارستان جان سپرد. رفتار انسان احمقانه بود. همسایه ها همه ی آنها از دور تماشا کردند. همه ما می دانیم که چنین اختلافاتی چه عواقب وحشتناکی می تواند داشته باشد. خانواده ها می توانند از هم جدا شوند، کودکان تحت مراقبت افراد غریبه قرار می گیرند و در بدترین حالت، چنین اختلافاتی می تواند به قتل ختم شود.

آنچه در بالا توضیح دادم وضعیتی است که ما انسان ها به خوبی می شناسیم. کتاب مقدس نیز این اختلافات را بی وقفه توصیف می کند. اولین دعوی قابیل و هابیل به برادرکشی ختم شد و تاریخ بشر به همین طریب ادامه دارد. ما انسان ها همیشه دلیلی برای بحث و جدل می یابیم تا بتوانیم دعوا کنیم. آنچه در روز جمعه خوب اتفاق می افتد نتیجه چنین اختلافی است. اما جمعه سیاه نزاع بین دو خانواده یا کشور نیست، بلکه در مورد خیلی بیشتر است. در مورد اختلاف بین تمام قدرت های تاریکی است که علیه خدا شورش می کنند. این اختلافی است که از آغاز تاریخ بشر وجود داشته و در جمعه سیاه به نتیجه نهایی خود می رسد. هنگامی که عیسی مسیح بر صلیب آویزان شده بود، نتیجه نهایی این اختلاف را می بینیم. خون تازه اش به زمین ریخت، در حالی که بدن بی جانش بر صلیب آویزان شده بود و ابرهای سیاه بر سرتاسر زمین می چرخند. در جمعه نیک همه اینها را به یاد می آوریم. مراسم جمعه نیک حس غم و اندوه و ناراحتی را به ما می دهد. محراب پاک و خالی است. این صحنه برای یادآوری به صلیب کشیدن عیسی است که برهنه بر صلیب آویزان شد. ما نفرت دنیا را می بینیم که علیه عیسی عصیان می کرد و در نهایت می بینیم که حتی خدا عیسی را تنها گذاشت و از این طریق طرف تاریکی خدا را می بینیم و عیسی باید فریاد بزند: "خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟" به نظر می رسد که شریر بر روی صلیب بر خدا پیروز کرده است. به نظر می رسد همه کسانی که ادعا می کنند خدا یا وجود ندارد یا علاقه ای به نحوه کار ما اینجا روی زمین ندارد، درست هستند.

اما این فقط در نگاه اول است. امروز در جمعه نیک، تاریک ترین روز در تاریخ جهان می بینیم. اما پولس با نامه خود به کولسیان پرده را اندکی باز می کند و واقعیت بسیار متفاوتی را که در دنیای معنوی در حال وقوع است به ما نشان می دهد. پولس وزنی را که خود خدا در جلجتا روی ترازو گذاشت به ما نشان می دهد. آنچه خدا در جمعه نیک انجام داده رازی است که از زمان کریسمس با ما بوده است. اتفاقی که در روز جمعه نیک رخ داده بود این است که بزرگ ترین فرد برای ما شفاعت می کند. و کسی که بالاترین سهم را دارد، خودش را برای دیگران وقف کرد. خدا تمام قدرتش به خطر انداخت. خود خدا بالاترین قیمتی را که می تواند بدهد می دهد. کسی که در آنجا

بر روی صلیب آویزان شده بود همان است که همیشه آنجا بود و همه چیز به وسیله او خلق شد، که بالاتر از قدرت های مرئی و نامرئی است، خدا از همیشه و برای همیشه. از طریق آنچه که بر روی صلیب کالواری اتفاق افتاد، خداوند به ما می گوید: «اینک! من زندگی ام را به خطر می اندازم من این کار را برای شما انجام می دهم! تو ارزشش داری نه به این دلیل که لیاقتش را داری، بلکه به این دلیل که من تو را ساختم و به این دلیل که نجاتت را انتخاب کردم.»

همانطور که اشعیا گفت: حال آنکه رنجهای ما بود که او بر خود گرفت و دردهای ما بود که او حمل کرد،

از طریق این رنج و مرگ عیسی بر روی صلیب، قدرت تاریکی شکسته شده بود. تمام شرارت، خشونت و نفرت با این رویداد بر روی صلیب شکسته شده بود.

دعوا و نفرت این خاصیت را دارد که مردم را از هم جدا کند. در یک مشاجره می خواهید از دیگران فاصله بگیرید، در بدترین حالت حتی باعث آسیب می شوید. درست برعکس روی صلیب اتفاق می افتد. آنجا خدا به ما نزدیک می شود. در آنجا خداوند به ما می گوید: "شما متعلق به من هستید. من می خواهم خیلی به شما نزدیک باشم. حتی می خواهم به شما متصل شوم." از طریق صلیب، خدا خیلی بیشتر از حل و فصل یک اختلاف یا درست کردن چیزی که قبلاً کج بود می خواهد. نه، خدا می خواهد با ما متحد شود. به عبارت دیگر، مسیح رئیس کلیسا است. ما بدن او هستیم. ما از نظر جسمی به عیسی تعلق داریم و به طور ناگسستنی با او مرتبط هستیم! همه اینها از طریق غسل تعمید اتفاق می افتد. هر کسی که تشخیص داده است چه کسی با ما ارتباط برقرار می کند، هرگز نمی خواهد دوباره از آنها جدا شود. آمین